



موسسه مطالعات ایران و اوراسیا
The Institute for Iran-Eurasia Studies
ЦЕНТР ПО ИЗУЧЕНИЮ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

همکاری راهبردی بین ایران و روسیه در مرحله‌ای نوین:

دو کشور چه چیزی می‌توانند به یکدیگر عرضه کنند؟



نویسنده: ولادیمیر ساژین

استاد دانشگاه، دانشیار
پژوهشی ارشد در موسسه
مطالعات شرقی آکادمی
علوم روسیه



در این مقاله می‌خوانید:

- ۱) روابط ایران-روسیه در باب اصطلاح "همکاری راهبردی"
- ۲) همکاری ایران-روسیه؛ فقدان اعتماد
- ۳) منافع ایران و روسیه در منطقه دریای خزر؛ حوزه ای برای همکاری یا رقابت؟
- ۴) منافع ایران و روسیه در سوریه
- ۵) آیا همکاری راهبردی بین ایران و روسیه امکانپذیر است؟
- ۶) منافع روسیه در ساخت همکاری راهبردی با ایران چیست؟ آیا روسیه نیازمند ایران است؟
- ۷) چه قدم‌هایی باید برای اطمینان از روابط همکاری بلند مدت بین ایران و روسیه برداشته شود؟
- ۸) نتیجه‌گیری

۱). در باب اصطلاح "همکاری راهبردی"

اصطلاح "همکاری راهبردی" در حوزه ی دیپلماسی و روزنامه نگاری به طور گسترده ای برای برجسته سازی روابط سطح بالای ویژه بین دو یا چند کشور به کار می رود. با اینحال تعریفی علمی از این اصطلاح هنوز هم نیازمند تلاش و تحول است.

باین وجود، "همکاری راهبردی" به چه معناست؟ در وهله ی نخست، این اصطلاح در بردارنده ی درجه ی بالایی از همکاری در مقایسه با روابط عادی است.

موارد ذیل شامل برخی از ویژگی های ممیزه ای است که نمایانگر و نشان دهنده ی ماهیت یک همکاری راهبردی است:

. فقدان مشکلات خصومت آمیز بین دولتی جدی در روابط دوجانبه؛

. درجه ی بالایی از اعتماد متقابل؛

. روابط شفاف، مشتمل بر مشارکت وسیع طرفین در پیگیری [مشترک] موضوعات داخلی و بین المللی؛

. همکاری وسیع سیاسی و اقتصادی؛

. هماهنگی کامل تصمیم سازی های سیاست خارجی (دو کشور) در تمام حوزه های کلیدی؛

. مقاومت جدی در برابر هرگونه تاثیرگذاری فرصت طلبانه ی زودگذر نشات گرفته از طرف

هر دو کشور مدنظر (نظیر تغییرات در مدیریت و رهبری کشور)، و یا ناشی از محیط بیرون؛

. یک رابطه ی دیرینه، که به منظور اجرایی شدن، نیازمند برنامه های بلندمدت سیاسی،

اقتصادی، و (قاعدتا) نظامی است.

پژوهشگر روس آی.ای. نوویکوف تعدادی دیگر از مشخصه ها و ویژگی های ممیزه یک همکاری

راهبردی را به شرح ذیل پیشنهاد می دهد:

^۱ implying broad engagement

^۲ Resolute resistance

^۳ any opportunistic volatile influence

. (وجود) چارچوبی تنظیم کننده برای همکاری (راهبردی)، جایی که ماهیت همکاری و سازوکارهای کاربست آن به صورت مشروع و قانونی محترم شمرده نمی شوند؛

. سازوکارهای بلندمدت برای کاربست و اجرای همکاری راهبردی؛

. توانایی احترام گذاردن به منافع یکدیگر، برخورد مناسب و همکاری با شرکا شریک راهبردی، حتی اگر هیچ گونه منافع آشکاری در بین نباشد؛

. ممانعت و خودداری از هرگونه رفتار و فعالیت تبعیض آمیز یا شبه-ال تیماتوم نسبت به شرکا بر مبنایی دوجانبه و متقابل؛^۴

. سهمیم بودن در ارزش های مشترکی^۵ که متضمن نظام سیاسی شریک (راهبردی) است.

شکی نیست که پیش از اعلام و بیان یک همکاری راهبردی، ضروری است که به تحلیل و سنجش محتوای واقعی دگرگونی اجتماعی، و همچنین قابلیت ها و توانایی های کشور شریک پرداخته؛ خطوط و مسیرهای (موردنیاز) برای همگرایی، و احتمالا اصطکاک،^۶ را مشخص کرده، و همچنین تفاوت ها، تضادها و تناقضاتی که در مسیر همکاری و مشارکت سیاسی و اقتصادی دو کشور نیازمند توجه هستند را تشخیص دهیم.

از سال ۲۰۰۰، روسیه اسناد همکاری راهبردی با حدود ۱۵ کشور را امضا کرده که شامل الجزایر، آذربایجان، چین، اکوادور، مصر، هند، لائوس، مغولستان، مراکش، صربستان، آفریقای جنوبی، اسپانیا، اکراین، ازبکستان و ویتنام است.

اگر روابط کنونی روسیه با کشورهایی که در بالا ذکر شدند از خوب تا بد- را به صورت عینی تحلیل کنیم، می بینیم این روابط بسیار وسیع است، (اما) اطلاق "همکاری راهبردی" به روابط روسیه با بسیاری از کشورهای فوق الذکر گزافه گویی خام طبعانه خواهد بود.

در این چارچوب، همسان دانستن روابط خوب سیاسی، دیپلماتیک یا تجاری و اقتصادی سطح بالا -یا همسانی و وحدت مواضع در برخی موضوعات خاص بین المللی، و یا هماهنگ سازی پراکنده^۹

^۴ enshrined

^۵ Refrain

^۶ on a reciprocal basis

^۷ common values

^۸ overlap

^۹ sporadic harmonization

فعالیت‌ها در برخی جنبه‌های سیاست خارجی یک یا دو کشور - به عنوان "همکاری راهبردی"، نادرست خواهد بود.

در سیاست، و یا حتی در جنگ‌ها، کشورها ممکن است برخی اوقات در پیگیری برخی اهداف مشخص همانند و به عنوان شرکا عمل کنند، با این وجود این بدان معنا نیست که آنها شرکای راهبردی هستند.

۲. همکاری ایران-روسیه؛ فقدان اعتماد

بر اساس مختصات و ویژگی‌های ممیزه‌ای که در سطور فوق برای تعریف مشارکت راهبردی ارائه دادیم، و همچنین بر مبنای تحلیل عینی وضعیت روابط ایران-روسیه، و به دور از تاثیرات پروپاگاندای شدید حول موقعیت کنونی ایران و روسیه، معتقدیم که "راهبردی" خواندن روابط کنونی این دو کشور اغراق و گزافه‌گویی آشکار است.

دلیل این امر را می‌توان کاملاً به فقدان اعتماد بین دو طرف مزبور نسبت داد. تحلیل‌گران بر روی داده‌ها و وقایع تاریخی و کنونی متعددی دست می‌گذارند که موجب دلسردی و بی‌ رغبتی طرف ایرانی از اعتماد کامل به روس‌ها شده است. اینها شامل موارد ذیل است (بدون تفکیک جزئیات)؛

۱) . معاهده‌ی گلستان (۱۸۱۳) و عهدنامه‌ی ترکمن‌چای (۱۸۲۸)، که پیروزی‌های روسیه بر ایران در دو جنگ را رسمیت بخشیده و چارچوبی حقوقی برای جداسازی و انتقال سرزمین‌های وسیعی از ایران در منطقه قفقاز جنوبی (امروزه گرجستان، ارمنستان و آذربایجان) به قلمرو قدرت روسیه فراهم آورد؛

۲) . موافقتنامه ۱۹۰۷ م. روسیه-انگلستان، که ایران را به دو حوزه‌ی نفوذ روس و انگلیس تقسیم می‌کرد؛

۳) . اشغال ایران (آنگونه که به وسیله‌ی ایران دیده می‌شود) به وسیله‌ی قوای شوروی و بریتانیا در سال ۱۹۴۱ م.؛

۴) . فعالیت‌های حزب کمونیست توده که توسط شوروی حمایت می‌شد؛

۵) . تلاش‌های شوروی برای جداسازی آذربایجان از ایران (۱۹۴۶)؛

۶) . حمایت شوروی از تجزیه طلبان کرد در غائله جمهوری مهاباد (۱۹۴۶)؛

۷) . لشکرکشی شوروی به افغانستان (۱۹۸۹-۱۹۷۹)؛

- ۸) . مواضع شوروی در جریان جنگ ایران و عراق (حمایت فعالانه از صدام حسین) (۱۹۸۰-۱۹۸۸);
- ۹) . کمیسیون مفتضح گورچرنومردین (۱۹۹۵) که هرگونه همکاری نظامی و فنی بین فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران را قطع کرد;
- ۱۰) تاخیر در ساخت نیروگاه هسته ای بوشهر (۲۰۰۱-۱۹۹۵);
- ۱۱) حمایت روسیه از تحریم های ضدایرانی در شورای امنیت سازمان ملل (۲۰۰۶-۲۰۱۰);
- ۱۲) بدقولی در جریان قرارداد سیستم های موشکی زمین به هوای اس.۳۰۰ و دیگر قراردادهای همکاری فنی و نظامی (۲۰۱۰-۲۰۱۵);
- ۱۳) نفوذ ایالات متحده و غرب بر روی اقتصاد و سیاست روسیه (تا سال ۲۰۱۴);
- ۱۴) تقسیم نامنصفانه ی دریای خزر (به گفته ی ایران);
- ۱۵) عدم همگرایی و تقارب کامل نگاهها به وضعیت سوریه و آینده ی آن کشور.

ماندانا تیشه یار، دکتری علوم سیاسی، استادیار دانشگاه تهران و عضو شورای علمی موسسه مطالعات ایران-اوراسیا (ایراس) می گوید؛ "این نگاه منفی تاریخی که هنوز در جامعه ی ایران نسبت به روسیه وجود دارد تا اندازه ای در پی حوادث بعد از انتخابات ۱۳۸۸ ظهور یافت... چرا مردم علیه روسیه شعار سر می دادند؟ به نظر من، مشکل به حافظه ی تاریخی ایرانیان برمی گردد که همواره مداخله ی روسیه و بریتانیا را در پشت هر حادثه ای می بینند، و نگرش منفی نسبت به این دو کشور دارند."

از طرف روسیه نیز معامله با ایران کار دشواری است. کارشناس سیاسی آذری فخرالدین عباس-زاده که اکنون ساکن روسیه است، مشاهده ی جالبی در این باب ارائه می دهد؛ "در ۷ ژوئن ۲۰۱۲ شانگهای میزبان دیداری بین ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران بود. در جریان ملاقاتشان روسای دو کشور به صورت متفق القول یک "نقشه راه" شامل ۱۰ بند را برای ایران تصویب کردند، که با مشارکت کارشناسان برجسته ی روسی شکل گرفته بود.

^{۱۰} Gore-Chernomyrdin Commission
^{۱۱} Delays

افسوس به محض آنکه احمدی نژاد به ایران بازگشت، نخبگان سیاسی دعوایی شدید علیه سند مذکور راه انداختند، که اساساً بی اثر شد. دولت روسیه مجبور شد تعدیلاتی در خط مشی اش نسبت به ایران انجام دهد.^{۱۲}

اتفاقاً قبل از ۲۰۰۲ یک پروژه ی جاه طلبانه شکل گرفته بود؛ "برنامه ای بلندمدت برای توسعه ی همکاری تجاری، اقتصادی، صنعتی، علمی و فنی بین ج.ا.ایران و فدراسیون روسیه طی دوره ی زمانی تا سال ۲۰۱۲". دولت روسیه این پروژه را تصویب کرد. اما رهبران ایرانی ساکت ماندند، که به همین دلیل در سال ۲۰۰۷ پروژه ی مودنظر از جانب روسیه براساس مصوبه ی شماره ۸۵۳ حکومت فدراسیون روسیه در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۷ بی اعتبار اعلام شد. این فرصتی بود که دو کشور از دست دادند. بنابراین می توان با اطمینان مدعی شد که [روابط دو کشور تا] سال ۲۰۰۰ دارای "هیچ" گونه تاثیر مثبتی بر روی روابط تجاری و اقتصادی ایران و روسیه نبوده است، به استثنای ساخته شدن نیروگاه هسته ای بوشهر توسط روسیه.

نتایج تجارت دوجانبه دو کشور که در چندسال اخیر منتشر شده است نیز نشان می دهد که در باب مقوله بندی روابط ایران-روسیه به عنوان روابط "راهبردی"، باید بسیار احتیاط نمود. در سال ۲۰۱۵ ایران تنها ۰,۲ درصد از تجارت خارجی روسیه را به خود اختصاص داده است در حالی که سهم روسیه از تجارت خارجی ایران ۱,۱ درصد بوده است. تجارت دوجانبه روند نزولی اش را ادامه می دهد؛ در سال ۲۰۱۴ میزان تجارت خارجی ایران-روسیه ۱,۶۸ میلیارد دلار بوده است (مقایسه شود با ۵۲ میلیارد دلار تجارت خارجی ایران و چین در همان سال) در حالی که در سال ۲۰۱۵ این میزان با سقوط به ۱,۲۴ میلیارد دلار کاهش یافته است.

The Institute for Iran-Eurasia Studies
ЦЕНТР ПО ИЗУЧЕНИЮ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

۳. منافع ایران و روسیه در منطقه دریای خزر: حوزه ی همکاری یا رقابت؟

بیش از ۵۰۰ سال از آغاز ارتباط روسیه و ایران می گذرد و در این بین دریای خزر و رود ولگا که به آن می ریزد نقشی محوری در زندگی دولت های همسایه ی آن ایفا کرده است. در گذشته اهمیت این دریا محدود به نقش آن به عنوان آبراه دریایی بود، در حالی که اکنون دریای خزر دربردارنده ی وجوه سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی است.

^{۱۲} it would be safe to assume that

پیش از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، تنها دو دولت حول این دریا بود؛ روسیه (اتحاد جماهیر شوروی) و ایران (پرشیا). اکنون کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان نیز افزوده شده اند. "مسئله ی خزر"^۳ که تقریباً خود بخود پدید آمد در بردارنده ی موضوعات حقوقی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و محیط زیستی است. در باب مسئله ی وضعیت حقوقی دریای خزر که به مدت ۲۵ سال به صورت اصلی ترین موضوع دریای خزر باقی مانده است، اکنون پرسش آن است که چگونه آن را بین دولت های ذینفع تقسیم کنند.

موافقتنامه های مابین ایران و شوروی - "معاهده ی دوستی ایران-روس"^۴ که در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ به امضا رسیده، و "معاهده ی تجارت و کشتیرانی بین اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و ایران"^۵ (تهران، ۲۵ مارس ۱۹۴۰) - تا به امروز موثر باقی مانده است. با این حال این اسناد مسائل کنونی تقسیم قلمروهای دریای خزر را تنظیم و قاعده مند نکرده است، از جمله موضوعات استفاده از فضای زیرسطحی دریا و سهم محیطی دریا، فعالیت های نظامی، قواعد حمل و نقل و از این قبیل [بنگرید به اطلاعات پس زمینه]^۶

ЦЕНТР ПО ИЗУЧЕНИЮ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

The "Caspian issue"^{۱۳}

the "Russo-Persian Treaty of Friendship"^{۱۴}

the "Treaty on Trade and Navigation between the Union of Soviet Socialist Republics and Iran"^{۱۵}

Background Information. In the early 18th century, towards the end of the rule of Peter the Great, the Caspian^{۱۶} Sea was within the borders of Russia (the Persian regions of Gilan, Mazandaran and Astarabad, on the southern shore of the Caspian Sea, were parts of the Russian Empire). However, the border between Persia and Russia has changed many times since then.

Under the Treaty of Gulistan, signed after the Russo-Persian War of 1804-1813, Russia was granted the exclusive right to have a Naval base in the Caspian Sea.

The Treaty of Turkmenchay, which marked the formal end of the Russo-Persian War of 1826-1828, confirmed Russia's exclusive right to have a Navy, while Persia lost all such rights (Article 8). The Treaty remained in effect until 1917.

On February 28, 1921, the Government of the Russian Soviet Federative Socialist Republic signed an agreement with Persia to cancel all of the treaties concluded with the Imperial Government, including the 1828 Treaty of Turkmenchay, and recognized Persia's right to free navigation in the Caspian Sea. The agreement contained no provisions on the division of Caspian waters.

On October 27, 1931, the USSR and Persia signed the Convention on Settlement, Trade and Navigation, which stated that only Soviet and Persian ships were entitled to operate in the Caspian Sea.

The 1935 Treaty on Settlement, Trade and Navigation between the USSR and Iran introduced the 10-mile coastal zone.

The same provision was confirmed in the Treaty of Commerce and Navigation between the USSR and Iran, which was signed on March 25, 1940. It was reiterated that only Soviet and Persian ships were entitled to operate in

در سال ۲۰۰۳ ترکمنستان، آذربایجان و روسیه یک سری قراردادهای دوجانبه امضا کردند که بر مبنای آن کف دریای خزر و منابع آن موضوع تقسیم است درحالی که سطح دریا به صورت استفاده ی عمومی باقی می ماند. این سه کشور قراردادی امضا کردند درباره ی خطوط تقسیم (دریا) مربوط به حوزه های همجوار کف دریای خزر.^۷ براساس این توافق تمام مسائل مورد بحث مابین این سه کشور تسویه و حل شده است.

باین حال ایران با مصالحه ی روسیه-ترکمنستان شدیداً مخالفت کرده و نماینده ی سیاسی ویژه اش در موضوع دریای خزر را در اعتراض به توافق روسیه-آذربایجان فراخواند. رهبران ایران حتی اعتراض شان را با فراخواندن سفیر ایران از روسیه اعلام داشتند. ایران موافقتنامه های سه جانبه درباره ی دریای خزر را به رسمیت نمی شناسد و تاکید دارد که بستر دریا و سطح دریا باید به بخش های ملی برابر تقسیم شوند، یا به عبارت دیگر ۲۰ درصد برای هریک از کشورها (ایران درحال حاضر تقریباً ۱۳ درصد را در اختیار دارد).

این مشاجره بر سر (نحوه ی) تقسیم دریای خزر است که اصلی ترین مانع حل وضعیت حقوقی دریای خزر است. مهمتر اینکه، دولت ایران به مسئله ی دریای خزر به عنوان اولویت سیاست خارجی می نگرد؛ اگرچه این موضع ایران درباب تقسیم دریای خزر است که تاکنون به عنوان مهمترین مانع سرراه توافقات باقی مانده است...

فقدان اجماع بین ایران، آذربایجان و ترکمنستان سبب کندی تدوین سند قرارداد مشترک در این زمینه شده است. بنابراین ما نباید به این زودی منتظر پیشرفت خارق العاده ای در این زمینه باشیم.

باین حال برخی پیشرفت ها در حوزه های دیگر صورت گرفته است. اسناد رسمی زیر به تصویب (طرفین) رسیده است؛ کنواسیون حمایت و حفاظت از محیط زیست آبی دریای خزر، موافقتنامه همکاری امنیتی در دریای خزر، تعدادی اسناد در رابطه با محیط زیست و ماهیگیری

the Caspian Sea. However, that Treaty was lacking clear provisions on the division of the Caspian Sea, which complicated border control activities.

The Soviet Union unilaterally recognized the Gazan-Kuli (Turkmenistan) – Astarachay (Azerbaijan) line as the borderline in 1935. [URL <http://uchebnik-online.com/129/1407.html>, in Russian.]

For more details, see Rustam Mamedov. International Legal Status of the Caspian Sea: Yesterday, Today, Tomorrow (Theory And Practice). [URL: <http://www.ca-c.org/journal/cac-09-2000/19.Mamedov.shtml>, in Russian.]

^{۱۷} on the division lines for adjacent areas of the Caspian Sea floor

در دریای خزر(شامل موافقتنامه حفظ منابع طبیعی^{۱۸} و استفاده بهینه از منابع زیست شناختی آبی^{۱۹} دریای خزر)، و همچنین موافقتنامه ای درباب اعمال اصول حاکمیت ملی هر یک از کشورهای حوزه ی دریای خزر در فضای ساحلی دریا در درون طیفی ۱۵ مایلی به علاوه ی ده مایل "ماهگیری".

شرکت کنندگان در چهارمین نشست دریای خزر که در سپتامبر ۲۰۱۴ در آستاراخان برگزار شد، نتایج آن را مورد تایید قرار دادند. برخی اسناد مهم در این نشست امضا شد که شامل بیانیه رسمی روسای جمهور چهار کشور حوزه ی دریای خزر، بیانیه ی رسمی چهارمین نشست دریای خزر، موافقتنامه رسمی همکاری در زمینه بررسی چگالی سنجی دریای خزر، موافقتنامه همکاری در زمینه ی واکنش سریع(پاسخ اضطراری) در دریای خزر، و موافقتنامه حفظ منابع طبیعی و استفاده پایدار از منابع زیست شناختی آبی دریای خزر.

پنج کشور حاشیه ی دریای خزر موافقت کردند که فعالیت نظامی در منطقه ی دریای خزر باید براساس اصول "کفایت منطقی" و مشروط به شرایط امنیتی یکسان و برابر برای همه ی کشورهای حوزه ی دریای خزر باشد. علاوه بر این آنها اصول مورد توافق پیشین درباب "عدم دخالت نیروهای مسلحی که متعلق به کشورهای حوزه ی دریای خزر نیستند" را مورد تصویب قرار دادند.

در حال حاضر منطقه ی دریای خزر تاحدود زیادی حوزه ی همکاری ایران-روسیه، از جمله همکاری در بخش نظامی است. در چند سال اخیر، دیدارهای دوجانبه ی ناوهای ایرانی-روسی در دریای خزر بر یک مبنای نظام مندی سازماندهی شده است. مانورها و تمرینات مشترک نیروی دریایی ایران و روسیه برقرار است. مانورهای دریایی همه ی کشورهای حوزه ی دریای خزر برنامه ریزی شده که در اواسط سپتامبر ۲۰۱۶ در منطقه ی ساحلی روسیه صورت گیرد.

مهمترین چیزی که موجب وحدت مسکو و تهران در "موضوع خزر" می شود، پیش و بیش از هرچیز مخالفت و نگرش منفی این دو کشور است نسبت به قرار گرفتن خطوط لوله (خطوط لوله انتقال گاز خزر)^{۲۰} در کف دریای خزر است، پروژه ای که مورد حمایت کشورهای آذربایجان،

^{۱۸} the Conservation
^{۱۹} Sustainable Use of Marine Biological Resources
^{۲۰} Hydrometeorology
^{۲۱} Emergency Response
^{۲۲} was supposed to be based
^{۲۳} the provision of
^{۲۴} non-involvement
^{۲۵} the Trans-Caspian Gas Pipeline

ترکمنستان و قزاقستان بوده، اما از طرف دیگر به صورت نامعلوم و بلا تکلیف باقی مانده است. فهم چرایی این وحدت نظر و نگرش مشترک ایران-روسیه آسان است؛ نه روسیه و نه ایران هیچکدام نمی خواهند که از پروژه ی انتقال گاز خزر به اروپا کنار گذاشته شوند، مسیری که در امتداد قزاقستان-ترکمنستان-کف دریای خزر-آذربایجان-اروپا می گذرد.

علاوه بر این دو مسئله که برای هر دو کشور بنیادی و حیاتی است، ایران و روسیه در تعدادی دیگر از مسائل مواضع یکسان یا نزدیک به هم دارند. با این حال علیرغم این زمینه های مشترکی که بیان شد، مسکو تا اندازه ای نگران قدرت نظامی رو به رشد ایران در دریای خزر است. نکته ی قابل توجه این است که پیش تر در زمان محمدرضا شاه نیروی دریایی ایران در حوزه ی دریای خزر تنها شامل یک کشتی تفریحی می شد.

نکته قابل توجه و مهم دیگر عدم توافق ایران و روسیه است در زمینه ی موضوع کلیدی تقسیم دریای خزر (بنگرید بالا). با این وجود از زمانی که روسیه در زمینه تقسیم دریای خزر با آذربایجان و قزاقستان به توافق رسیده است دیگر کمتر نگران موضع ایران در این زمینه است. تهران به سهم خودش به صورت دیپلماتیک از ذکر این اختلافات بویژه در حوزه ی رسانه ای اجتناب نموده است، اما با این وجود این موضوع به صورت "خاری" در گلو باقی مانده است. موقعیت مشابه دیگر در روابط ایران-روسیه در رابطه با بحران سوریه شکا گرفت.

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

۴. منافع ایران و روسیه در سوریه

روسیه و ایران در جریان منازعه ی سوریه با حمایت از دولت و نهادهای کنونی حاکم بر سوریه، در یک سنگر مشترک قرار دارند. مسلماً اگر حمایت های ایران و روسیه نبود، رئیس جمهور بشار اسد سقوط کرده بود. از لحاظ تاکتیکی، مواضع ایران و روسیه در سوریه یکسان است؛ با این وجود این دو کشور از حیث نگاه راهبردی شان به آینده ی سوریه با هم توافق دیدگاه ندارند. روسیه می خواهد سوریه را به عنوان یک کشور سکولار ببیند، در حالی که ایران تمایل دارد بئله سوریه کمک کند تا ساختاری دولتی شکل دهد که در آن اقلیت علوی ها (پیروان اسلام شیعی) و دیگر اقلیت های مذهبی برتری خود را بر اکثریت سنی مذهب سوریه از دست ندهند.^{۲۷} این امر ایران را قادر

^{۲۶} gravitates towards
^{۲۷} retain

خواهد ساخت تا بوسیله ی استقرار "هلال شیعی"^{۲۸} که از ایران تا عراق و سوریه و لبنان گسترده است به تقویت مواضع سیاسی و نظامی اش در سوریه و خاورمیانه بپردازد.

این طرح های تهران تنها در صورتی به واقعیت بدل خواهد شد که بشار اسد-تنها متحد راهبردی ایران در منطقه- در قدرت بماند. در نتیجه نگاه تهران و مسکو نسبت به آینده ی ریاست جمهوری بشار اسد متفاوت است. خاصه آنکه ایران بر ماندن بشار اسد به عنوان رئیس جمهور سوریه تاکید دارد حال آنکه روسیه آماده ی مصالحه بر سر ریاست جمهوری اسد است، یعنی زمانی که سوریه شرایط حفظ تمامیت ارضی و تشکیل یک دولت ائتلافی موقت^{۲۹} مشتمل بر حامیان بشار اسد و مخالفان را پیدا کند. برای روسیه مسئله این نیست که چه کسی سوریه را رهبری خواهد کرد، بلکه مسئله این است که رئیس جمهور آینده ی سوریه چگونه منافع روسیه را تأیید و تضمین خواهد کرد.

پژوهشگر روس نیکلای کوژانف می نویسد که؛ "نه روسیه و نه ایران هیچ کدام در باب تفاوت اهداف نهایی شان در سوریه که سبب شده برای حفظ نهادهای کنونی دولت سوریه مبارزه کنند، دچار توهم نیستند. علی اکبر ولایتی [مشاور رهبر عالی ایران سیدعلی خامنه ای] این نکته را روشن ساخته؛ " هر کشوری در پی منافع خویش است [با این وجود] روسیه قادر نخواهد بود به تنهایی در خاورمیانه و منطقه از منافع اش حفاظت کند." با این وصف، روسیه و ایران به صورت ماهرانه ای باهم رایزنی و مشاوره دارند، اگرچه این امر بدون استقرار یک اتحاد نظامی کامل است.

همانطور که کوژانف به درستی متذکر شده است؛ "ازدواج مصلحتی" ایران و روسیه دو کشور را قادر ساخته تا ضربه ها را به آرامی دفع کرده و مسیرشان را هموار سازند، اما این امر مانع از بررسی و پیگیری مشکل شده، تنها بروز مسئله را به تاخیر می اندازد تا هنگامی که زمان آن فرا می رسد که مسئله ی اصلی مستقیم و صراحتاً به میان آید.

بنابراین حتی در مورد مسئله ی سوریه که این اندازه برای هر دو طرف تهران و مسکو حائز اهمیت بسیار است، اغراق است اگر بخواهیم از چنین اصطلاحاتی مانند "همکاری راهبردی" استفاده کنیم.

^{۲۸} "Shia Crescent"

^{۲۹} a provisional coalition government

^{۳۰} "marriage of convenience"

۵. آیا همکاری راهبردی بین ایران و روسیه امکانپذیر است؟

برپایه ی تعریف آکادمیک-و نه براساس تفسیر مبتنی بر تبلیغات سیاسی-از اصطلاح "همکاری راهبردی"، پاسخ پرسش فوق "منفی" است. براساس سخنان غلامرضا شفیعی، سفیر ایران در روسیه طی سال های ۱۹۹۹-۲۰۰۵؛ "این امر بستگی به آن دارد که شما یک اتحاد راهبردی را چگونه تعریف کنید...من معتقدم هر ملتی باید ابتدا منافع ملی خودش را مورد توجه قرار دهد و روابطش (با دیگر کشورها) باید مبتنی بر این چارچوب ها باشد. روابط با روسیه نیز باید دربردارنده ی همین روند باشد."

این نکته نیز باید اضافه شود که نگرش روسیه نسبت به روابط با ایران نیز مبتنی بر همین چارچوب است. منافع روسیه در خاورمیانه چندوجهی است، و تمرکز روسیه صرفاً بر روی جمهوری اسلامی ایران نیست، که البته در حال حاضر با دشواری هایی مواجهه شده، که این دشواری ها در دو سطح ژئواستراتژیک (تقابل ایران شیعی با سنی ها)، و همچنین در چارچوب منطقه، یعنی جایی که منافع سیاسی و نظامی ایران با منافع تقریباً تمام کشورهای منطقه در تضاد قرار گرفته است.

روسیه در حالی که بر پیگیری منافع اش در خاورمیانه، بویژه سوریه تاکید دارد، روابط اش را به گونه ای مدیریت کرده است که روابط تجاری عادی اش را (به استثنای ترکیه) با تقریباً تمام کشورهای خاورمیانه از جمله اصلی ترین دشمنان و رقبای جمهوری اسلامی یعنی عربستان سعودی و اسرائیل، حفظ کند. در چنین شرایطی، اتحاد راهبردی با ج.ا.ایران می تواند بطور قابل توجهی موجب تضعیف موقعیت روسیه شده و تقابلاتی را با اغلب کشورهای منطقه خاورمیانه در وهله نخست، و در وهله ی بعد تقابل با اکثریت مسلمانان سنی جهان برای اش به ارمغان بیاورد، که این امر علاوه بر موارد فوق می تواند موجب نتایج و عواقب منفی داخلی برای فدراسیون روسیه شود.

بنابراین چه می توان کرد؟

نعمت الله ایزدی آخرین سفیر جمهوری اسلامی در شوروی و اولین سفیر ایران در فدراسیون روسیه در یکی از آخرین مصاحبه هایش گفته است؛ "ما نمی توانیم روابط راهبردی (با روسیه) داشته باشیم. در برخی حوزه ها اهداف و منافع ما در تضاد (با منافع و اهداف روسیه) است.

با این وجود ما می توانیم بهترین روابط را در بالاترین سطح ممکن داشته باشیم." در این رابطه آقای ایزدی ایده ای بسیار منطقی، به هنگام و مناسب ارائه نموده: "تهران و مسکو نمی توانند متحدان راهبردی باشند اما ما باید دارای راهبردی برای روابط مان باشیم."

متأسفانه در اینجا شاهد هیچ گونه راهبردی برای روابط دوجانبه ایران-روسیه نیستیم. همانطور که پیشتر ذکر شد، تا آنجا که به حوزه سیاست مربوط می شود نگاههای دو کشور حتی در حوزه های بسیار حیاتی نظیر مسئله ی دریای خزر و منازعه ی سوریه یکسان نیست. و همچنین هیچ گونه طرح مشترکی برای پیگیری این موضوعات وجود ندارد.

احتمالا بتوان گفت یکی از آیتم هایی که روسیه را از نظر سیاسی به تهران نزدیک می کند مخالفت آنها با غرب است. اما به نظر می رسد که این امر کافی نیست. ایده ای که در کنفرانس "توسعه ی همکاری راهبردی بین ایران و روسیه" در ۲۴ نوامبر سال ۲۰۱۴ توسط ایگور ایوانف وزیر خارجه ی سابق فدراسیون روسیه و ریاست کنونی شورای روابط بین الملل روسیه (RIAC) مطرح شد، بهترین توضیح روشن گری است که ما می توانیم ارائه دهیم؛ "شما نمی توانید روابط دوجانبه را بر مبنای (وحدت نظر در) مخالفت مشترکتان با غرب بنیان نهید. ما نیازمند یک دستور کار سازنده ایم، فهرستی از اولویت ها که ما را قادر سازد رو به جلو حرکت کنیم؛ اگرچه قطعاً بر مبنای منافع متقابل."

با این وجود، سایه هایی از اختلافات جزئی جدید حتی در مجاورت مواضع ضد غربی مسکو و تهران ظهور یافته اند. ایران پسا-تحریم توسط جناح لیبرال و اصلاح طلب نخبگان سیاسی و تجاری نمایندگی می شود، که همراه اکثریت جامعه ی ایران نگاهشان با آمیدی روزافزون به غرب، خاصه اتحادیه ی اروپا، دوخته است. علاوه بر این رئیس جمهور حسن روحانی گفته است که ایران می تواند روابط نزدیک دوستانه ای با ایالات متحده آمریکا داشته باشد، که این سخن در نگاه رقبای بنیادگرای وی به عنوان فتنه و بدعت باید بشدت محکوم و سرکوب شود.

با این وجود، نکته ی مهم این است که ایران به شدت نیازمند سرمایه گذاری های خارجی هنگامفت و فن آوری های سطح بالاست.

^{۳۱} mutiny and heresy

۶. منافع روسیه در ایجاد همکاری راهبردی با ایران کدامند؟ چرا روسیه نیازمند ایران است؟

جمهوری اسلامی ایران نقش نظامی و سیاسی مسلطی در یکی از کلیدی ترین مناطق مهم کره ی زمین، یعنی غرب آسیا که شامل خاورمیانه، حوزه ی دریای خزر و آسیای مرکزی است، ایفا می کند. احتیاجی به گفتن ندارد که ایران دارای منابعی حیاتی از منابع هیدروکربن جهان است. ایران با ۱۵۸ میلیارد بشکه دارای ۱۰ درصد از ذخایر ثابت شده نفت کره ی زمین است، مقام چهارم بعد از ونزوئلا (۲۹۸,۳ میلیارد بشکه) عربستان سعودی (۲۶۷ میلیارد بشکه) کانادا (۱۷۲,۹ میلیارد بشکه). ایران همچنین با ۳۴ تریلیون مترمکعب (۳۴ هزار میلیارد متر مکعب) دارای ۱۸,۲ درصد از منابع گاز طبیعی جهان است (که این امر ایران را رهبر گاز جهان کرده، در مقابل روسیه که با ۳۲,۶ تریلیون مترمکعب جایگاه دوم جهان را داراست). با توجه به انتقال محصولات گاز و نفت و ظرفیت حمل و نقل سراسری مسیرهای شمال-جنوب و شرق-غرب سرزمین ایران شی بی نهایت گرانبهایی است. علاوه بر این با جمعیتی ۸۰ میلیونی و با یکی از بزرگترین ارتش های جهان، ایران ورای هرگونه چارچوب درونی و بیرونی، به طور عینی عامل تعیین کننده ی سیاست منطقه غرب آسیا و سیاست جهانی است.

بعد از حل مسئله ی هسته ای در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ و در پی آن فرایند برداشته شدن تحریم های هسته ای، ایران بدل به یک مرکز ثقل جهانی برای سیاست و تجارت شد. روسیه به هیچ وجه نمی تواند یک چنین کشور امیدبخشی^{۳۳} را از دست بدهد، نه در حوزه ی سیاسی و نه در معنای اقتصادی و تجاری آن.

تا آنجا که به سیاست مربوط می شود، ارزشترین منفعت ممکن روسیه خط مشی کاملاً ضدغربی تهران در هر دو حوزه ی منطقه ای و جهانی است-ولوائنکه برخی اوقات با اغراض کاملاً پروپاگاندایی.

اما در رابطه با روابط تجاری دوجانبه در حوزه ی اقتصاد و بازرگانی، متأسفانه توان بالقوه ی روسیه محدود است به تعداد معدودی از صنایع، به اسم مهندسی قدرت^{۳۴} شامل قدرت هسته ای، اکتشافات فضایی^{۳۵}، شامل پرتاب ماهواره های پر قدرت با اهداف اقتصادی عملی توسط حاملان

^{۳۲} the decisive factor
^{۳۳} a promising country
^{۳۴} when it comes to
^{۳۵} power engineering
^{۳۶} space exploration

روسی، ساخت راه آهن، برقی سازی و نوسازی صنایع را آهن ایران، و کشاورزی در سطوح مختلف- از سطح دولتی تا سطح شرکت های تجاری کوچک. یک حوزه ی نویدبخش برای همکاری ایران و روسیه حوزه اکتشافات نفت و گاز است، همچنین پروژه هایی برای بهبود باز یافت نفت در ذخایر قدیمی ایران با استفاده از فناوریهای روسی. وجه مهم دیگر همکاری نظامی و فنی است. بااین وجود به دلایل عینی و ذهنی(مشخص در بالا) به نظر نمی رسد که نهادهای تجاری(خصوصی) دو کشور منفعت خاصی از روابط دو طرف برده باشند.

علی رغم نشست ها و مذاکرات فزاینده ی مداوم دوطرف در سطوح مختلف-شامل سطح سران^{۳۷} و در قالب هیئت های مختلف طی سالهای ۲۰۱۴-۲۰۱۶، و علی رغم تعداد قابل توجه توافقات جدی^{۳۸}؛ تنها تعداد اندکی از پروژه ها در حال حاضر نزدیک به مرحله ی اجرا و کاربست هستند. این توافقات شامل دو واحد جدید در نیروگاه هسته ای بوشهر توسط روسیه، موافقتنامه ای در باب نوسازی راه آهن های ایران، موافقتنامه کشف ذخایر سنگ معدن آهن^{۳۹}، موافقتنامه ای بین روزنفتگازاستوری Rosneftegazstroy و شرکت بین المللی ان.پی.سی ایران در زمینه تاسیس یک شرکت مشترک تولید کود، و موافقتنامه در زمینه عرصه ی محصولات خودروسازی روسیه به ایران. علاوه بر این پیشرفت هایی در زمینه ی عرضه ی محصولات کشاورزی ایران به فدراسیون روسیه صورت گرفته است.

روسیه آمادگی خود را برای عرضه ی یک وام صادرات دولتی ۵میلیارد دلاری به ایران اعلام داشته است. قسط نخست شامل ۲,۲ میلیارد دلار است که برای تامین بودجه مالی قراردادهای ساخت نیروگاههای برق و برقی سازی راه آهن فراهم خواهد شد. در حدود ۳۵ پروژه اولویت دار برای همکاری مشترک انتخاب شده بودند- در مهندسی برق، ساختمان، پایانه های دریایی، راه آهن و غیره. اینکه آیا این طرح ها به مرحله تکمیل نهایی خواهند رسید اکنون پرسش بزرگی است.

موانع بسیاری بر سر راه توسعه ی روابط اقتصادی ایران-روسیه وجود دارد. نخست اینکه، شرکت های دولتی و شرکت های تجاری بزرگ، که آشکارا گرایش به برقراری پیوند رسمی با سرمایه بزرگ دارند، در اقتصاد هر دو کشور به طور روشن نقش مهمی ایفا می کنند. دوم آنکه ساختار بخش های صادراتی هر دو ایران و روسیه به گونه ای است که تقاضای مصرف کننده برای

^{۳۷} summit level
^{۳۸} agreements of intent
^{۳۹} iron ore deposits

محصولات یکدیگر بسیار پایین است (که تا اندازه ای می توان شاهد این مسئله در سطح پایین تبادلات کالایی بین دو کشور بود). سوم، حتی بعد از برقراری مجدد دسترسی ایرانیان به سیستم سوئیفت، پرداخت های بانکی بین مقاطعه کاران ایران و روس هنوز هم شدیداً بخرنج و پیچیده باقی مانده است. چهارم، هیچ یک از دو کشور منابع مالی کافی برای انجام این پرداخت ها با پول لازم، خواه روبل باشد یا ریال ندارد. پنجم، هزینه های حمل و نقل به دلیل فقدان زیرساخت های لجستیکی به روز و موافقتنامه های راه نوردی، بسیار بالاست. ششم شرکت های کوچک و متوسط ایرانی اغلب دنبال بازارهای داخلی و یا بازار کشورهای همسایه هستند، در حالی که شرکت های بزرگ اغلب به سمت غرب یا چین گرایش دارند. علاوه بر این تشریفات و مقررات دست و پاگیر و فساد تمام گسترته عنوان موانع جدی تجارت در هر دو کشور ایران و روسیه باقی مانده است، در حالی که تعداد بسیار اندکی از کارآفرینان نسبت به مختصات انجام فعالیت تجاری و اقتصادی در دو کشور آگاهی دارند. جالب توجه اینکه بر طبق گزارش سالانه انجام فعالیت تجاری بانک جهانی، ایران یکصد و نوزدهمین کشور جهان از حیث تسهیل فعالیت تجاری و اقتصادی است. در سال ۲۰۱۵ ایران در رده بندی ۱۳۵مین کشور از ۱۷۵ کشور در شاخص ادراک فساد (سازمان) شفافیت بین المللی^{۴۳} قرار گرفته است (گزارش سالانه ی شاخص ادراک فساد بین المللی [سازمان شفافیت بین المللی] که در این رده بندی کشور اول دارای کمترین میزان فساد و کشور ۱۷۵ام دارای بیشترین میزان فساد در جهان است).

The Institute for Iran-Eurasia Studies

۷. برای تضمین روابط همکاری بلندمدت بین ایران و روسیه چه قدم هایی باید برداشته شود؟
ЦЕНТР ПО ИЗУЧЕНИЮ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

۱) . ضرورت صورت بندی پایه ای استوار-بویژه چارچوبی حقوقی- برای تمهید راهبردی در راستای توسعه ی همکاری بلند مدت در تمام حوزه های سیاست، تجارت، نظامی و فرهنگ، که بدون آن هیچ گونه از ثبات یا پایداری و تداوم روابط دوجانبه امکانپذیر نخواهد بود. در این رابطه ضروری است که سندی جامع بر مبنای روابط (غیرراهبردی) همکاری دوجانبه^{۴۵} تهیه و تصویب شود، (در این سند باید) منافع بنیادی دو کشور، با

^{۴۰} contractors

^{۴۱} extremely complicated

^{۴۲} red tape

^{۴۳} ubiquitous corruption

^{۴۴} Transparency International's Corruption Perceptions Index

^{۴۵} bilateral partner (and non-strategic) relations

فهمی دقیق از منافعی که دو کشور را متحد و مواردی که آنها را از هم جدا می‌سازد، مورد لحاظ قرار گیرد.

۲) یک مورد مهم که باید در مرکز تلاش‌های دو کشور قرار گیرد نظامی از نقل و انتقالات پولی است که توسعه‌ی صوری تمام حوزه‌های همکاری شامل توریسم و مبادلات فرهنگی را مورد توجه (و ممانعت!) قرار می‌دهد

۳) ضروری است که لیستی از پروژه‌ها در تمام زمینه‌های همکاری شکل گیرد و بر روی آنها تمرکز شود، درحالی که به خط مشی دهی تلاش‌ها و سرمایه‌ها به سمت اجرائی شدن)شان اقدام می‌شود

۴) همچنین این نکته حائز اهمیت است که رسانه‌های ایرانی و روسی در تمام طول فرایند توسعه‌ی روابط دو کشور حمایت اطلاعاتی آن را تضمین نمایند.

۸. نتیجه‌گیری

. به دنبال حل مسئله پرونده‌ی هسته‌ای ایران در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ و آغاز فرایند برداشته شدن تحریم‌ها ایران تبدیل به بازیگری کلیدی در صحنه‌ی سیاسی منطقه‌ای و جهانی، و یک نهاد حقوقی بین‌المللی جدی^{۴۷} شده است.

. روسیه علاقمند به ساخت روابط همکاری استوار و محکم با ایران است. هدف روسیه استقرار پیوندهای قابل اتکا در کوتاهترین زمان ممکن و به صورت بلندمدت است که مستقل از شرایط و فضای سیاسی داخلی هر دو کشور و سایر کشورها باشد

. امکانات و قابلیت‌های روسیه برای رقابت در بازار ایران محدود است، و دلیل این امر بخشی به بحران جدی کنونی اقتصاد روسیه برمی‌گردد

. در کنار جنبه‌های مثبت همکاری ایران-روسیه، که در منافع مشترک یا مرتبط نمود یافته‌اند، درعین حال مختصات منفی در روابط دو طرف وجود دارد؛ (از جمله اینکه) ایران پسا-برجام به طور روشن در حال حرکت به سمت غرب است.

^{۴۶} concerns (and impedes!)
^{۴۷} a serious international legal entity

اوضاع سیاسی داخلی ایران و روسیه هر دو تغییر یافته است، همانطور که وضعیت سیاسی بیرونی دوروبر این دو کشور دچار تغییر شده است. برقراری روابط همکاری میان دو کشور که مبتنی است بر اعتماد و خط مشی واقع گرایانه و عمل گرایانه تری را در درون کشور، منطقه، و جهان دنبال می کند، راه را برای توسعه ی همه جانبه ی پیوندهای سیاسی، تجاری، اقتصادی، علمی و فرهنگی به همراه نگاهی به برقراری چارچوبی امنیتی در حوزه های راهبردی جنوب و شرق هموار می سازد.

. باوجود عوامل سیاسی، ایدئولوژیک، روانشناختی، تجاری، اقتصادی و حتی فلسفی موثر بر روابط دو جانبه، به نظر مناسب تر می نماید که از بکار بردن اصطلاح "همکاری راهبردی" برای توصیف روابط فی مابین دو کشور اجتناب نمائیم، بلکه از وضعیت کنونی روابط ایران-روسیه به عنوان یک "همکاری عمل گرای" آینده-گرا^{۱۸} یاد کنیم.

ولادیمیر سائین – مسکو ۲۰۱۶

ایراس

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

The Institute for Iran-Eurasia Studies

ЦЕНТР ПО ИЗУЧЕНИЮ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

^{۱۸} "a future-oriented "pragmatic partnership."